

هویت دانشجویی

دکتر محمد جواد سلمانپور*

چکیده

هویت دانشجوی و دانشگاه، عنصر مهمی در کیفیت تأثیرگذاری دانشگاه بر جامعه و دست یابی به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و کشور می‌باشد. شناخت دقیق هویت دانشجویی و آفات و آسیب‌های آن؛ هم در فعلیت بخشیدن به آن هویت مؤثر است و هم لازمه‌ی مدیریت صحیح محیط‌های دانشجویی است. فقدان هویت دانشجویی در جوانان دانشجویی انحراف در دانشگاه‌هاست، همان گونه که انحراف در هویت دانشجویی نوع دیگری از انحراف دانشگاهی به حساب می‌آید. در این مقاله هویت مطلوب دانشجویی با برشمردن عناصر آن بررسی شده است و ضمن برشمردن هریک از عناصر هشت‌گانه‌ی مؤثر در موضوع، به برخی آفات و آسیب‌های آن مؤلفه اشاره شده است.

واژگان کلیدی

هویت دانشجوی، هویت دانشگاه، هویت علمی، تفکر، روشنگری، منابع، آسیب‌های هویت، هویت‌شناسی، هویت اجتماعی.

۱- اهمیت هویت دانشجویی

محیط دانشگاه و دانشجو دو عنصر تأثیرگذار بر فرهنگ هر جامعه‌اند، افزون بر این که سهم مهمی در سازندگی و هدایت جامعه برعهده دارند. تأثیر مثبت و مطلوب دانشگاه و دانشجو بر جامعه، در گرو فعلیت یافتن هویت واقعی و مطلوب دانشگاه و به تبع دانشجو است. اگر هویت مطلوب پیدا نگردد یا دچار آفات و آسیب‌ها شد، دانشجو و دانشگاه نه تنها به رسالت خود عمل نخواهد کرد بلکه ممکن است موجب تباهی و پس رفت یک جامعه گردد. پرواضح است که هویت دانشجویی امری بالاتر از وظایف یک دانشجو است، زیرا وظایف دانشجویی با وجود برخوردارگی یک دانشجو از هویت دانشجویی، به سهولت و سرعت انجام می‌پذیرد همچنانکه با فقدان هویت دانشجویی، دانشجو وظایفش را با تکلف و بی‌ رغبتی و بسا از سر اجبار و در فضای خالی از امید به پیش می‌برد. اسلامی شدن دانشگاه، که آرمانی از ابتدای انقلاب اسلامی بوده و جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، که هم‌اکنون به عنوان هدفی استراتژیک و دانشگاهی پیش روی محافل علمی قرار دارد و میزان دستیابی به این هدف، سهم کشور ایران را در مدیریت آینده‌ی جهان در سیر جهانی شدن مشخص می‌کند، همه در گرو انجام صحیح وظایف دانشجویان در پرتو برخوردارگی از هویت مطلوب دانشجویی و فعلیت هویت دانشگاهی است.

- هویت دانشگاه

هویت دانشگاه، به فعلیت رساندن هویت دانشجو است. البته باید توجه

داشت که سخن از اهداف دانشگاه نیست. پرواضح است که اهداف تأسیس دانشگاه در یک کشور، فراتر از فعلیت بخشیدن به هویت دانشجوی است. دانشگاه اگر بخواهد هویت دانشگاهی داشته باشد باید فضایی ایجاد نماید که در آن فضا، عناصری که هویت دانشجوی را شکل می‌دهد به دانشجوی ببخشد و یا در دانشجوی آن عناصر را ایجاد نماید. از همین رو برای درک ماهیت دانشگاه باید هویت دانشجوی را خوب شناخت.

۲- هویت دانشجوی

- هویت علمی

اولین فصل در هویت دانشجوی، فصل علمی و علمیت اوست. افزون بر مسأله‌ی هویت، اگر سخن از وظیفه‌ی دانشجوی در میان باشد، فصل علمی او در رأس وظایف قرار دارد. نگاه عمومی به دانشگاه بیشتر از همین زاویه است. توده‌ی مردم که هزینه‌ی دانشگاه را متحمل می‌شوند، یا والدین که هزینه‌ی دانشجوی را می‌پردازند، اولین انتظار به حق آنان، رشد و کارآمدی علمی دانشجویان و فرزندان است.

آنچه امروز به فصل مهم هویت علمی دانشجوی اهمیت بیشتر می‌بخشد، موضوع ضروری جنبش نرم‌افزاری است. در این مقاله درصدد بیان تعریف و اهمیت جنبش نرم‌افزاری نیستیم، اما آنچه مسلم است تحقق این جنبش و دستیابی به اهداف آن فقط با محقق شدن و تقویت هویت علمی دانشجویان میسر می‌گردد.

در شکل‌گیری هویت علمی دانشجوی عوامل متعددی دخالت دارند.

فضای حاکم بر جامعه، نوع نگاه آحاد جامعه به دانشگاه، ارتباط و تعامل مدیریت صنعت، فلاح... و کشور با دانشگاه، نگاه مسئولین و مدیریت کلان کشور به دانشگاه، اساتید و نحوه‌ی تعامل آنان با دانشجو، فضای آموزشی، امکانات آموزشی هر یک به نوبه‌ی خود در زوال یا ایجاد و تقویت هویت علمی دانشجو مؤثرند. اما در اینجا درصدد طرح بیان عواملی هستیم که مربوط به خود دانشجو می‌شود.

- روحیه‌ی پرسشگری

سؤال، پرسش و کنجکاوی؛ کلید دانش و توسعه‌ی علم و معرفت بشری بوده و هست، تا آنجا که می‌توان ادعا نمود سؤال و مجهول از هدایا و عطایای مبارک پروردگار به انسان است، افزون بر این که؛ یکی از وجوه تمایز انسان از سایر مخلوقات در مجهول‌یابی و پرسشگری است. تمام علوم بشری به دنبال سؤال، آغاز و با پیدایش سؤالات بیشتر و زایش مجهولات پیچیده‌تر ادامه یافته است و اساساً سیل خروشان علم بشری در بستر سؤال‌ها و مجهول‌ها در جریان است و تنها کسانی بستر جریان علم و دانش و واسطه‌ی انتقال پویاتر علم از نسلی به نسل دیگر قرار می‌گیرند که دارای سؤال و مجهول در زمینه‌ی خاص علمی باشند. حتی معرفت و حیاتی نیز به دنبال سؤال و مجهولات عقول بشری، مسألت راه‌یابی فطری انسان و درخواست تکوینی بر بشر نازل گردیده است.

بنابراین دانشجویی که در حیات دانشجویی‌اش نتواند سؤال تولید کند یا قادر به یافتن مجهول در حوزه‌ی رشته‌ی تحصیلی خودش نباشد، اولین عامل تحقق هویت علمی را ندارد و چنین دانشگاهی نتوانسته است هویت به دانشجو ببخشد.

- توجه عمیق

فقاہت و توجه عمیق دانشجو، زمینہ ی مجهول یابی و پرسشگری است. توجه عمیق به عنصر تغییر در جریان تغییرات یا تغییردهی، تولید مجهول و سؤال می کند. از همین رو تمام موجودات و حوزه هایی که تغییر در آنها و آنجا راه می یابد و یا به دنبال اعمال تغییر و تحول در آنها و آنجا هستیم می توانند موضوع سؤال و مجهول ما قرار گیرند. تنها موجودی که قابل سؤال و پرسش نیست و نمی تواند مجهول قرار گیرد خداوند متعال است، زیرا در وجود خداوند متعال هرگز تغییر راه نیافته و نمی یابد. «مهمترین مجهول های ما پس از؛ چه هست و آیا هست، چرا هست؟ می باشد»^(۱).

سوالنامه

۵۱

سال نهم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۲

سوالاتی که دانش بشری را در علوم حقیقی توسعه می دهد، مجهولاتی است که با چرا و چگونه شروع می شود و پرسش هایی که با کی، کجا، چه چیزی، چه کسی، در چه چیزی، در کجا و؟. آغاز می شود، فرع چرا و چگونه است. تمام این سؤال ها به نحوی به تغییر در ذات یا ماهیت و حالات موجودات و اشیای تغییرپذیر باز می گردند.

البته این گفتار درصدد تحلیل همه جانبه ی عنصر سؤال نیست، بلکه آنچه گذشت برای نشان دادن تأثیر توجه عمیق برای رشد روح پرسشگری دانشجو بود.

دانشجو هر چه بیشتر به تغییر توجه کند یا به دنبال اعمال تغییر، ولو تغییر فرضی باشد و به سادگی از تغییرات و تغییر دادن ها نگذرد و عبور نکند هدیه ی الهی سؤال را بیشتر در جانش دریافت می کند.

۱. رک، به؛ تهذیب المنطق تفتازانی صص ۱۳۰-۱۳۴ و المنطق، محمدرضا مظفر

- تفکر عمیق

تفکر صحیح و عمیق قبل و بعد از توجه عمیق، برای پیدایش سؤال و پیدایی مجهول، ضروری و لازم است. جوانه‌های دانش جدید از بذره‌های سؤالات در زمین دانش قدیم و موجود با آبیاری تفکر صحیح و عمیق می‌روید.

دانشجو باید تفکر صحیح و عمیق را از تخیلات تفکرنا و مغالطه‌های تفکر نشان بازشناسد و با تمرین، ممارست و مهارت، تفکر صحیح و عمیق را پیدا کند و الا نه توجه عمیق برای کشف مجهول و سؤال پیدا می‌کند و نه قادر به بهره‌گیری از زمین حاصل خیز دانش قدیم و موجود و اطلاعات انباشته در ذهن خویش است.

دانشگاه امام شریعتی

۵۲

سال نهم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۳

اگرچه دانش منطق مهمترین ابزاری است که تفکر صحیح را به انسان عرضه می‌کند، اما تعمیق تفکر به علم منطق نیست، بلکه به نوعی پاکی، آزادی و حریت ذهن و قلب نیازمند است که با سلوک عملی حاصل می‌شود که خود دانستنی مفصل دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- آگاهی و علم وسیع، دقیق و به روز

برای پیدایش هویت علمی دانشجو، علاوه بر بذر سؤال و مجهول، وسیله‌ی کسب، کاشت و برداشت بذر؛ یعنی توجه عمیق و آبیاری آن توسط فکر صحیح و عمیق؛ زمین حاصل خیز لازم است. این زمین در مرحله‌ی نخست، چیزی جز علم و اطلاعات هر دانشجو در حوزه‌ی رشته‌ی تحصیلی خود و در مرحله‌ی دوم، آگاهی و اطلاعات فرارشته‌ی خود نمی‌باشد. از همین رو دانشجو باید حامل اطلاعات و آگاهی علمی وسیع، دقیق و

به روز در رشته‌ی علمی خود در هر یک از واحدهای دروس و پادمان‌های علمی مربوط به رشته‌ی خود باشد. چگونه ممکن است بذر سؤال با آبیاری تفکر عمیق ثمر دهد، مگر آن که در زمین پاک و فارغ از سنگلاخ کاشته شود؟! حتی اگر دانشجو فاقد اطلاعات لازم و آگاهی درون رشته‌ای و برون رشته‌ای باشد یا مبادی تصوری و تصدیقی رشته‌ی خود را نداند، هرگز نمی‌تواند توجه به تغییرات پیدا کند و یا به دنبال تغییر یا تغییرات فرضی باشد، لذا قادر به یافتن مجهول و سؤال نیست، تا چه رسد به یافتن پاسخ‌ها و گشودن راهی نو در دانش و گستراندن مرزهای علم و تحقق جنبش نرم‌افزاری!

- مطالعه‌ی جدی، عمیق و زیاد

برای کسب اطلاعات و آگاهی درون علمی و فرارشته‌ای چاره‌ای جز مطالعه‌ی فراگیر و جدی نیست. دانشجو باید درباره‌ی هر واحد درسی یا پادمان علمی علاوه بر درس استاد در کلاس، حداقل پنج منبع - که نظریات مختلف در آن حوزه را عرضه می‌کند - را یافته و به طور جدی مطالعه کند. متأسفانه اکثر دانشجویان مطالعه‌ی جدی و عمیق، اما نه چندان وسیع و فراگیر در شب امتحان پایان ترم دارند، اما غالباً سایر اوقات به گونه‌ی شب امتحان مطالعه نمی‌کنند و این یکی از خطاها و آسیب‌های جدی علمی دانشجویی است. دانشجو هر شب باید مانند شب امتحان حداقل دو یا سه صفحه کتاب مطالعه کند و سپس به بستر خواب برود.

دانشجویی که از هویت علمی برخوردار است یا نباید مطالعه کند یا اگر خواست مطالعه کند باید به صورت جدی و مانند شب امتحان مطالعه کند.

- منبع‌یابی و عشق به منابع

زمینه‌ی اطلاعات و آگاهی، آشنایی و یافتن منابع در هر واحد درسی یا پادمان علمی است. هویت علمی دانشجو بدون عشق به منابع علمی و علاقه‌ی وافر به یافتن و آشنایی با منابع تحقق پیدا نمی‌کند. عاشقانه به گرد استاد چرخیدن و حضور در محضر او [به عنوان منبع علم و معنویت]، علاقه و ارتباط صمیمانه با کتابخانه، عشق به حضور در کتاب‌فروشی‌ها و نمایشگاه‌های کتاب، حرص و ولع به کسب اطلاع درباره‌ی مجلات علمی، صرف وقت حساب شده برای جستجو در سایت‌های علمی مرتبط و... همه علامت و نشانه‌ی هویت علمی دانشجو است. قابل قبول نیست که دانشجو آخرین کتاب‌های منتشر شده در حوزه‌ی رشته‌ی خود را نشناسد یا به تمامی مجلات مرتبط با رشته‌ی خود آگاهی نداشته و به آنها سر نزده باشد و یا از سایت‌های علمی اینترنتی در رشته‌ی خود بی‌خبر باشد. امروزه هر دانشجو باید در حوزه‌ی رشته‌ی خود حداقل با پنج استاد، پنج سایت، پنج مجله ادواری، ارتباط مستمر داشته باشد.

- آفات و آسیب‌های هویت علمی دانشجو

از لابه‌لای تبیین عناصر متشکله‌ی هویت علمی دانشجو، تا حدودی آفات این جنبه‌ی هویت‌ی دانشجو معلوم شد. به طور خلاصه موارد زیر را می‌توان به عنوان آفات هویت علمی دانشجویی مورد توجه و بررسی قرار داد.

الف) بی‌علاقگی به منبع‌یابی و عدم آشنایی و یا عدم دست‌یابی به منابع.
ب) فقدان مطالعه، یا مطالعه‌ی سطحی و غیرجدی.

ج) اکتفا نمودن به درس استاد و تنها منبع اصلی درس یا جزوه‌ی استاد.
 د) دل مشغولی به مسائل غیر علمی و فقدان ذهن پاک.
 ه) عدم مهارت تفکر عمیق و نداشتن روش صحیح تفکر.
 و) خلط اوهام و تخیلات با تفکر و عدم قدرت و مهارت. تمیز بین تفکر،
 تخیل و اوهام.

ز) روح لجاج، عناد و عدم تعادل روانی در برخورد با مطالب علمی.
 ح) پیش‌داوری‌ها و رسوبات نادرست سنتی، عرفی و غیر علمی.
 ط) نقد و روح اعتراض و ایرادگیری و اشکال‌یابی قبل از درک درست
 موضوع و سخنان.

ی) عدم شناخت مغالطه‌ها و فقدان مهارت لازم در کشف مغالطه‌ها.
 ک) بی‌توجهی به تغییرات و گذاشتن و گذاشتن از حوادث و تحولات.
 ل) روح محافظه‌کاری و عدم علاقه به تغییر یا عدم شجاعت در فرض
 تغییر و ناتوانی در ارائه‌ی تغییرات فرضی.

افزودن بر این آسیب‌ها و آفات که در لابلای سطور گذشته قابل فهم و
 پیش‌بینی بود، آفات دیگری نیز به هویت علمی دانشجوی لطمه می‌زند و
 آسیب می‌رسانند، آفاتی مانند:

- افراط و تفریط در عناصر متشکله‌ی هویت دانشجوی و عدم توازن و
 تعادل بین آنها.

- تقدم سایر عناصر هویت‌ی دانشجویی بر هویت علمی.

- بهانه‌سازی یا بهانه جلوه دادن ضعف‌ها و کاستی‌های نظام آموزشی

برای ضعف هویت علمی.

- بهانه‌سازی یا بهانه جلوه دادن مشکلات فراروی فارغ‌التحصیلان.

- ابتدال اخلاقی و اختلاط نامشروع در محیط علمی - معنوی دانشگاه.

- هویت نمادین

الف) حقیقت هویت نمادین

دانشجو عصاره و چکیده‌ی نظام تعلیم و تربیت، فرهنگ و سنن عمومی حاکم بر جامعه و هنجارها و هویت یک ملت است. برای تقریب به ذهن این عنصر شکل دهنده به هویت دانشجو، به نمونه‌ای دیگر از نهادهای نمادین یک کشور اشاره می‌شود: شهروندان کشورها در بدو ورود به کشوری دیگر، قبل از هر چیزی، فرودگاه و کارکنان و مردم آن کشور در فرودگاه را مشاهده می‌کنند، اولین نگاهی که در ذهن شهروندان خارجی نسبت به آن کشور شکل می‌گیرد حاصل چگونگی فرودگاه، کارکنان آن و مردم مستقر در فرودگاه است، مثلاً اولین بار که نگارنده در فرودگاه شهر ریاض عربستان توقف نمود، یک دیدگاه خاص نسبت به کشور عربستان در ذهن ذهنش ایجاد شد، این نگرش آغازین نسبت به یک کشور و ملت، غالب اوقات ثابت و باقی می‌ماند و در سایر تعامل‌ها و مشاهدات شهروندان کشورهای خارجی از کشور دیگر تأثیر گذاشته و تقویت می‌شود، بنابراین فرودگاه و کارمندان فرودگاه از این لحاظ جنبه‌ی نمادین دارند، اگر چه ممکن است نه حق و نه واقعی باشد.

دانشجو نیز هویت نمادین دارد که هم به حق است و هم واقعی. اگر بخواهیم وضعیت فرهنگ، پیشرفت، مطالبات و... در یک ملت و کشور را دریافت کنیم، یکی از حوزه‌هایی که مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد، دانشجو و دانشگاه آن کشور می‌باشد.

ب) آفات هویت نمادین

این هویت دانشجوی نیز در معرض آفات و آسیب‌های متعددی قرار دارد. مثلاً اگر دانشجوی و دانشگاه در اختیار اقلیت خاصی از مردم قرار گیرد و یا طعمه‌ی سیاسی و فرهنگی جناح خاص یا اقلیتی خاص گردد و یا فقط امکان راه‌یابی قشر خاصی مثلاً مرفهین جامعه به دانشگاه وجود داشته باشد و لاغیر، در این صور دانشگاه و دانشجوی نشانگر واقعی و مطالبات تمام مردم نخواهد بود، اگر چه خود را به عنوان فرهنگ و مطالبات تمام مردم می‌نمایاند.

آفت دوم هویت نمادین دانشجوی این است که گروه و قشر خاصی از میان انبوه میلیونی دانشجویان، صدای خویش را بلندتر و جنجالی‌تر از توده‌ی میلیونی دانشجویان یک کشور نماید. با متینگ‌های زیاد و اعلامیه‌های بسیار و تبلیغات وسیع و... خود را نمایانده و نماینده‌ی جمعیت عظیم دانشجویی جا بزنند، در حالی که جمعیت عظیم دانشجویی یا غافل یا ناتوان و یا دچار مانع از طرح خود باشند، در این صورت فرهنگ و مطالبات اقلیتی از دانشجویان؛ فرهنگ و مطالبات کلیه‌ی دانشجویان و به تبع فرهنگ و مطالبات کل ملت پنداشته می‌شود.

طمع برخی گروه‌های سیاسی و حتی کشورهای بیگانه در اعمال اراده‌ی سیاسی خود به قشر دانشجو ولو اندک، ناشی از امید و طمع به همین هویت نمادین است. امروزه رسانه‌های بیگانه قادرند صدا و مطالبات چند عدد دانشجویی یک کشور مثل ایران را به حدی مطرح و تبلیغ کنند که آن چند نفر نماینده و نمایانده‌ی تمام و یا اکثریت دانشجویان کشور تلقی شود. البته گاهی کشور بیگانه خودش نیز باور می‌کند و همین باور منجر به تحلیل غلط و

تصمیم‌گیری‌های بدفرجام برای آنان می‌گردد.

به اعتقاد نگارنده یکی از علل ناکامی‌های دولتمردان امریکا در دو دهه‌ی اخیر درباره‌ی ایران ناشی از همین آفت بوده است. امروزه با مرور مختصری بر مجموعه‌ی سایت‌های متعددی که در خصوص جنبش دانشجویی نوشته و می‌نویسند، به خوبی طمع به این آفت از جانب اجانب قابل مشاهده است. صدا و پیام گروه اندکی از دانشجویان آنقدر در سایت‌های متعدد تکرار می‌شود و بلند است که فاقدان هوشیاری سیاسی، چه در داخل و چه در خارج، می‌پندارند که این فضای حاکم بر دانشگاه و دانشجویان کشور است، حتی گاهی خود دانشجویان و فضای دانشجویی نیز تأثیر می‌پذیرد.

۳- هویت جنبش و رویش

الف) حقیقت هویت جنبش و رویش

جنبش و رویش از دیگر شاخصه‌هایی هویت دانشجویی است. دانشگاهی که نتواند این هویت را به دانشجو ببخشد فاقد هویت دانشگاه است، همچنان که اگر دانشجویی در دانشگاه به هر دلیل دیگر فاقد جنبش و عشق به رویش باشد، هویت دانشجویی ندارد.

دانشجو کسی است که در مرتبه‌ی نخست هرگز به موفقیت فعلی خود در هر روز راضی نیست و به دنبال موقعیت و مرتبه‌ی بالاتر و بالاتری است و بسوی آن در حرکت و تلاش است.

در مرتبه‌ی دوم، راضی به بقای موقعیت و وضعیت دیگران، محیط دانشگاه و کشور خود بلکه کل جهان خود نمی‌باشد. همواره وجودش مملو

از دغدغه‌ی تعالی و ارتقای دیگران، دانشگاه، کشور و جهان از وضع و موقعیت فعلی به وضع و موقعیت کاملتر و بهتر است و در این راه پویا و در حرکت و جوش و خروش است.

تذکر این نکته لازم است که تمام مخلوقات عالم در ذات خود عشق به رویش دارند و در جنبش‌های مختلفی از موقعیت فعلی به مرتبه‌ی وجودی بالاترند، خاک به دنبال سبز شدن و سبزه به دنبال حیوان شدن و حیوان به دنبال انسان شدن و انسان عاقل و هوشیار هم سو با دیگر مخلوقات به دنبال خدا شدن.

تنها در میان مخلوقات، این انسان‌ها هستند که برخی به علت جهل، غفلت یا انقلاب ذات، فاقد روح رویش و حرکت از مرتبه‌ی فعلی به مرتبه‌ی بالاتر وجودی می‌باشند، حتی برخی رضایت به انحطاط و سقوط از درجه‌ی فعلی به درجات پایین‌تر دارند؛ «ثم ردناه اسفل سافلین».

انتظار به حق از دانشجو این است که جزو غافلان یا جاهلان یا منقلبین و مرتجعین نباشند، بلکه جزو هوشیاران و آگاهان هر جامعه، حتی در رأس این قبیل اشخاص قرار گیرند. از همین رو عشق به رویش و حال جنبش یکی از عناصر شکل دهنده به هویت دانشجو می‌باشد.

البته در این مقوله موقعیت فعلی دانشجو، موقعیت فعلی دیگران، دانشگاه، کشور و جهان و نیز موقعیت برتر و جنبش و راه خروج از موقعیت فعلی به موقعیت برتر سه موضوع اند که ضرورت دارد به نحو صحیح مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

ب) آفات هویت جنبش و رویش

این عنصر شکل دهنده به هویت دانشجو نیز آفات و آسیب‌های متعددی دارد. اولین آفت و آسیب مربوط به عوامل و موانعی است که اصل این هویت را به مخاطره می‌اندازد و عشق به رویش و جنبش را از دانشجو می‌گیرد و دانشجو تبدیل به یک شهروند محافظه‌کار می‌گردد و همواره به موقعیت فعلی خود راضی و خشنود است و به تبع، به موقعیت و وضعیت دانشگاه، جامعه و جهان.

گروه دوم آفات و آسیب‌ها عواملی هستند که رویش و جنبش دانشجویی را به انحراف و حتی به انحطاط و ارتجاع می‌کشانند.

عدم درک صحیح از رویش و جنبش دانشجویی، افراط و تفریط در تعریف آنها، عدم درک صحیح و نادرست از موقعیت فعلی، فقدان ملاک و معیار برای فهم موقعیت برتر و متعالی تر و یا تحمیل یک وضعیت پنداری به دانشجو به عنوان موقعیت فعلی و تحمیل یک وضعیت پنداری به دانشجو به عنوان موقعیت برتر از خارج محیط دانشگاهی؛ همه از آفات جنبش و رویش دانشجویی و علل و عوامل انحرافات جنبش و رویش دانشجویی است.

این آفات باعث می‌شود که دانشجو در هویت جنبش و رویش دانشجویی، خود را و جهان حاکم راگم کند و مورد غفلت قرار دهد و فقط به رویش جامعه و کشور خود اندیشه کند و همواره جنبش دانشجویی اش را فقط علیه موقعیت فعلی کشور خودش بخواند و دنبال کند و هرگز به فکر رویش خودش و جهان حاکم نباشد و هیچ جنبشی در این دوزمین از خود بروز ندهد. در حالی که رویش کشور دانشجو، امری جدا و منفک از رویش

فرد دانشجو و جهان حاکم امروزی نمی باشد.

لذا در این صورت جنبش دانشجویی، تک نگاره و عاجز بلکه عامل بازدارنده از رویش کشور و توسعه‌ی جامعه‌ی خود می باشد و بدتر این که جنبش دانشجویی، اهرمی در دست بیگانگان برای سلطه بر کشورش می شوند.

این که برخی دانشجویان و روشنفکران همواره علیه وضع موجود کشور خود بوده اند، بدون آن که در اندیشه علیه وضع موجود خود یا علیه وضع جهان حاکم خود باشند، ناشی از همین آفات نوع دوم است که در دو دهه‌ی اخیر، جنبش های دانشجویی را تا حد ابتذال و انحطاط و ارتجاع ساقط کرده است.

۴- هویت نقد و تحلیل

الف) حقیقت هویت نقد و تحلیل

به دنبال هویت جنبش و رویش، عنصر دیگری در هویت دانشجو جوانه می زند که می توان از آن به عنوان هویت نقد و تحلیل نام برد.

روح نقد و تحلیل را اگر چه نمی توان جدای از هویت علمی یا هویت سیاسی دانشجو تلقی کرد، اما چون در تمام حوزه ها اعم از علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... باید جریان یابد، سزاوار است که عنصر مستقلی در منظومه‌ی هویت دانشجویی تلقی کرد.

نقد؛ یعنی قدرت دیدن تمامی اجزاء، شرایط، بسترها، علل و عوامل...، دیدن دقیق موقعیت فعلی خود، جامعه، مردم، جهان و... و تحلیل کردن آنها و یافتن نقاط کور، خلاءها، ناراستی ها و نادرستی ها از یک طرف و یافتن نقاط

روشن، متعالی، راستی و درستی‌ها در وضعیت موجود برای حفظ و قرار دادن آنها به عنوان نردبان ترقی و جنبش برای رفتن به موقعیت متعالی‌تر و مبارزه و مقابله با نقاط کور، ناراستی‌ها و نادرستی‌ها.

ب) آفات هویت نقد و تحلیل

انحصار نقد در یافتن کجی‌ها و نادرستی‌های موقعیت فعلی خود، دانشگاه و جامعه؛ اعم از قوه‌ی قضاییه، مجریه، مقننه، سازمان‌ها، نهادها و جهان حاکم؛ اعم از مکاتب، نظام‌های سیاسی غرب... بدترین آفت و انحراف در این هویت است. این انحصار در حقیقت بر شاخ نشستن و بن بریدن و در نهایت سقوط است و اساساً چنین پوشش و تلاش علمی را نمی‌توان نقد نامید، که نه علمی است و نه عالمانه و دانشجویی که گرفتار این قبیل هویت و تکاپوی تک بعدی نقد است، به زودی شکسته و خسته می‌شود، البته اگر ابزار دست اغیار خارج از دانشگاه یا خارج کشور قرار نگیرد.

یکی از علل مهم وابستگی برخی روشنفکران دانشگاهی به بیگانه یا منابع قدرت، ثروت و تزویر؛ گرفتار شدن آنان در همین دام نقد تک بعدی است. آفت دیگر هویت نقد و تحلیل؛ کنار گذاشتن نقد و تحلیل خود یا جهان حاکم و پرداختن به جامعه است. در حقیقت انحصار نقد در یکی از سه موضوع یا در موضوع خود، جامعه‌ی خود و جهان حاکم امروزی نوع دیگری از آسیب و آفت و در نهایت انحراف نقد و تحلیل است.

نمود دیگری از آفات مزبور این است که دانشجو وقتی به نقد خود می‌پردازد، فقط یک بعد یا یک جنبه‌ی خود را نقد و تحلیل کند و ابعاد مختلف وجودی خود را نادیده انگارد و مورد غفلت قرار دهد. یا وقتی به

نقد و تحلیل جامعه و کشور خود می‌پردازد، فقط یک سوی جامعه را نقد کند؛ مثلاً فقط حاکمیت را یا فقط مردم را و وقتی به نقد حاکمیت می‌پردازد، فقط قوه‌ی مجریه را نقد کند، یا فقط قوه‌ی مقننه را یا قوه‌ی قضاییه را و همین نوع انحصار نیز در نقد جهان حاکم نیز آفت هویت نقد می‌باشد.

نوع عوام‌الناس در علت یابی مشکلات یا مصائب، ابتدا خود را کنار می‌گذارند و سپس علت مشکل و مصیبت را در غیر خود جستجو می‌کنند و اگر فراقنی غیرممکن بود، علت را به شانس و اقبال بد، چشم زخم، سحر، جادو، قسمت، تقدیر و قضای الهی... نسبت می‌دهند، اما هویت نقد و تحلیل دانشجویی اقتضایی والاتر از نوع نقد و تحلیل اکثر عوام الناس دارد.

۵- هویت فرانگری از سایر اقشار

الف) حقیقت هویت فرانگری

آنچه دانشجوی را از سایر اقشار جامعه ممتاز می‌کند، فرانگری دانشجوی از سایر اقشار جامعه است. همه‌ی مردم، پدیده‌های مختلف در زندگی فردی و اجتماعی را در حیطه‌های مختلف مشاهده می‌کنند. عده‌ی کثیری این پدیده‌ها را فقط مشاهده می‌کنند و متأثر می‌شوند، اما هرگز فراتر از ظاهر رخدادها نمی‌روند، چرا که یا اعتقادی به وجود اموری فراتر از ظاهر قضایا وجود ندارد یا اعتنایی به امور فراطهور پدیده‌ها نمی‌کنند و یا قادر به درک فراتر از ظاهر مسائل نیستند و یا اگر خواستند درباره‌ی نیمه پنهان و پشت قضایا، مسائل و پدیده‌ها اظهار نظر کنند، به امور خیالی، پنداری و دم دستی و یا اموری که ناشی از القائات، شایعات، تبلیغات و احساسات است متوسل می‌شوند و هرگز به نیمه‌ی پنهان‌ها، پشت قضایا و ماجراها و ریشه و

باطن پدیده‌ها راه نمی‌یابند.

اما دانشجو، شهروندی است که فرانگتر از عوام‌الناس است. او درصدد است به درستی و از راه صحیح و با اطلاعات دقیق، صحیح، وسیع و همه جانبه به نیمه‌ی پنهان امور، پشت پرده‌ی قضایا و جریان‌ها و باطن پدیده‌های مختلف اجتماعی و حاکمیت و... نفوذ کند و آنها را دریابد.

مثلاً با پدیده‌ی گرانی یا بیکاری، دو نوع برخورد متفاوت و محسوس وجود دارد. عوام‌الناس - که اساساً نمی‌دانند چرا و چگونه؟ - متأثر می‌شوند و احتمالاً حکومت را مقصر می‌دانند، اما نوع دوم برخورد و نگاه این است که فراتر از پدیده‌ی بیکاری و گرانی؛ مسائل، امور، علل، دست‌های پنهان داخلی و خارجی و نیز ضعف مدیریت و حتی تعارض و تضاد جریان‌های سیاسی، اقتصاد جهانی، بازیگری‌های اقتصادی قدرت‌های استعماری را... ببیند و بداند که همه و همه به نوعی در گرانی و بیکاری دخیل است و هر کدام از این مسائل و عوامل در حدی از تأثیر، علت پدیده‌ی ناهنجار بیکاری یا گرانی را به خود اختصاص می‌دهد. هویت دانشجویی اقتضا می‌کند که نگاه دانشجو به رخدادها و پدیده‌های مربوط به خودش، خانواده‌اش، محیط دانشگاهش، جامعه‌اش و جهان‌ش مانند عوام‌الناس نگاه به ظاهر و انتساب به عوامل دم دستی پنداری، تخیلی، القایی، احساسی و تبلیغی... نباشد، بلکه نگاهی فراتر داشته باشد و نیمه‌ی پنهان گسترده و متعدد وقایع و جریان‌ها را نیز ببیند و این نوع فرانگری هویت دانشجویی است و دانشجوی فاقد این فرانگری با غیر دانشجو و عوامل الناس نه تنها یکسان است، بلکه می‌توان وی را بی‌بینش تر تلقی نمود.

ب) آفات هویت‌فرانگری

برای فرانگری نیز آفات و آسیب‌هایی است. عمده‌ی آنها این است که دانشجو نیز در راه‌یابی به نیمه‌ی پنهان امور، دچار عوام‌زدگی شود و به پندار و خیال دچار شود. این پندار که به پشت پرده‌ی قضایا و نیمه‌ی پنهان امور دست یافته است و سپس همان سخنان را بر زبان جاری کند که عوام‌الناس در سایه‌ی شوم خرافات، تبلیغات بیگانه، احساسات زودگذر بر زبان جاری می‌کنند.

آفت دیگر این است که به جای این که خود با نقد و تحلیل به نیمه‌ی پنهان امور نفوذ کند، آگاهانه یا ناآگاهانه آنچه را که دیگران (که ممکن است مغرضانه بدان دست یافته‌اند)، بپذیرد و آنها را حاصل دست‌یابی خود تلقی کند. هستند دانشجویانی که به خاطر فقدان روحیه‌ی نقد و تحلیل، نقد و تحلیل دیگران را کورکورانه حفظ می‌کنند و با پز و ادای صاحب نقد و تحلیل، همانها را به عنوان نقد و تحلیل خود و نیمه‌ی پنهان امور عرضه می‌کنند و اظهار می‌دارند. این نوع تحلیل نه تنها برخاسته از فرانگری دانشجویی نیست، بلکه کم‌کم هویت‌فرانگری دانشجویی را از وجود چنین دانشجویی سلب می‌کند و حتی از عوام‌الناس هم بیشتر تنزل می‌دهد.

ابزار قرارگرفتن آگاهانه یا ناآگاهانه‌ی برخی دانشجویان در دهه‌ی اخیر و انحراف جنبش و نقد دانشجویی در پاره‌ای موارد، ریشه در همین آفت و آسیب دارد.

آفت دیگر فرانگری؛ سطحی‌نگری و بی‌حالی در کسب اطلاعات جامع‌الاطراف پدیده‌ها، جریانات و وقایع است. این آفت، زمانی شدیدتر به فرانگری آسیب می‌رساند که توأم با آفت عجله در نقد و تحلیل در وجود

دانشجو باشد.

آفت پنجم در فرانگری؛ شهوت، عقده، عناد، لجاج و غرض ناشی از ناکامیها در مجالات دیگر است که دانشجو را به خود گرفتار کرده است. با آمدن غرض، شهوت، شهرت طلبی، عناد و لجاج، هنر نقد و تحلیل پوک و پوسیده می شود و هویت فرانگری منقلب به ظاهرنگری، بلکه کج‌نگری می شود.

چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به روی دیده شد
دانشجویی که مشغول شهوت جوانی یا گرفتار یأس آینده‌ی شغلی یا وابسته و اسیر دام احزاب قدرت پرست یا بیگانه پرست یا پیچیده به عقده‌های حرمان و ناکامی‌های گذشته‌ی خود و اطرافیان خود یا اسیر هجمه‌ی تبلیغات دروغین رسانه‌های بیگانه و طماع می باشد، فاقد هویت فرانگری است و دچار ظاهر بینی بدتر از عوام الناس است و این آفتی است که امروزه به جان هویت دانشجویی برخی دانشجویان افتاده است.

۶- هویت سیاسی گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- حقیقت و لوازم هویت سیاسی انسانی

به دنبال هویت رویش، نقد و فرانگری، عنصر دیگری در شکل دهی هویت دانشجویی جلوه گر می شود که از شاخصه‌های مهم حیات دانشجویی است و آن هویت سیاسی دانشجو است.

در حقیقت هویت سیاسی دانشجو ناشی از هویت رویش و جنبش، نقد و تحلیل، فرانگری و هویت معنوی اوست.

اگر دانشجو فاقد هویت سیاسی باشد، هم استقلال یک کشور به مخاطره

می‌افتد و هم حاکمیت کشور به سرعت رو به فساد می‌زود. در واقع هویت سیاسی دانشجو، دانشگاه را تبدیل به چشم بینایی در نظارت بر حاکمیت قرار می‌دهد، حاکمیت را از استدراج در فساد باز می‌دارد و حافظ استقلال نظام نیز خواهد بود. هویت سیاسی موجب می‌شود دانشجو به ائمه‌ی مسلمین و حاکمیت ناصح، عون و بهترین پشتیبان باشد. بدیهی است که حاکمیت فاسد یا وابسته، میلی به این هویت دانشجو ندارد و طبیعی است که نصح و عون دانشجوی سیاسی، مبارزه با فساد و وابستگی چنین حاکمیتی می‌باشد.

نظام اگر بخواهد متکی به مردم باشد و نه متکی بر قدرت نظامی یا قدرت خارجی، باید هویت سیاسی دانشجو را تقویت کند. دانشجو که نماد مردم و عصاره‌ی مردم است می‌تواند و باید مردم را هم وارد عرصه‌ی حمایت و اصلاحات نماید.

دانشجوی فاقد هویت سیاسی، یک دانشجوی مرده به حساب می‌آید که نه ناصح و نه عون و نه پشتیبان است، چنین دانشجویی به یک عنصر منفعل و ساده‌لوح تبدیل می‌شود و در نهایت یک ابزار و وسیله، که به راحتی هر نوع مدیریت را می‌توان بر او اعمال کرد، چه مدیریت فاسد چه صالح و چه مدیریت وابسته و بیگانه. چه مدیریت خودی و مستقل.

- آگاهی سیاسی

یکی از لوازم مهم هویت سیاسی دانشجو، آگاهی سیاسی لازم و ضروری است. قابل تصور نیست که دانشجو بدون آگاهی لازم از وقایع، امور و جریانات داخلی و خارجی و یا بدون اطلاع از سوابق جریانات و وقایع یا

بدون درک صحیح انگیزه‌های مراکز قدرت و حاکمیت و یا احزاب و گروه‌ها و یا بدون آگاهی از وقایع تاریخی و سوابق آنها، یا بدون آگاهی از هویت ملی و مردم خود یا هویت قطب‌های قدرت جهانی... بتواند هویت سیاسی به معنای صحیح و درست پیدا کند.

بنابراین اولین شرط برخورداری صحیح دانشجو از هویت سیاسی؛ داشتن یک سری اطلاعات سیاسی و به روز بودن آن اطلاعات است. برخی از این آگاهی‌ها را می‌توان در اینجا برشمرد:

۱- آگاهی بر تاریخ و پیشینه‌ی ملی کشور خود و سیر تاریخی پیدایش نظام حاکم سیاسی موجود.

۲- آگاهی به تاریخ جهان و سیر تاریخی استعمار و استبداد و قدرت‌های سلطه‌گر و سلطه‌پذیر.

۳- آگاهی بر جریان‌ات و احزاب و کانون‌های شکل‌گیری قدرت یا قدرت طلب.

۴- آگاهی به اصول و مبانی استقلال و اصول و مبانی و راه‌های اعمال سلطه‌ی قطب‌های جهانی. انسانی و مطالعات فرهنگی

۵- شناخت صحیح و همه‌جانبه‌ی دوستان و دشمنان کشور.

۶- شناخت جریان‌های وابسته و مزدور.

۷- آگاهی و شناخت از رسانه‌های ارتباط جمعی مستقل و وابسته‌ی دروغ‌پراکن و زیرکی و تزویر آنها.

۸- آشنایی با اصول و مبانی مغالطه در اطلاع‌رسانی و تحلیل سیاسی. البته آگاهی‌های سیاسی منحصر به موارد فوق نمی‌باشد، بلکه آگاهی سیاسی بیشتر و وسیع‌تر از موارد فوق است. یکی از علائم آگاهی سیاسی

دانشجو عشق و علاقه به در جریان قرار گرفتن اخبار روزمره‌ی کشور و جهان و سروکار داشتن با حداقل دو روزنامه‌ی یومیه و یا درخور بودن با منابع اطلاع‌رسانی صادق است.

- هوشیاری سیاسی

افزون بر آگاهی سیاسی، نوعی هوشیاری سیاسی یا ششم سیاسی لازم است که از سنخ آگاهی و شناخت نیست، بلکه از سنخ فن و مهارت است. هوشیاری سیاسی به مراتب مهم‌تر از اطلاعات سیاسی است.

هوشیاری یا ششم سیاسی در حقیقت مواد خام و اطلاعات خام سیاسی را پخته می‌کند. بین وقایع و جریانات یا سخنان به ظاهر غیر مرتبط، ارتباط برقرار می‌سازد. به دانشجوی این توان را می‌دهد که به نیمه‌ی پنهان رخدادهای سیاسی نفوذ کند و از سطح ظاهر وقایع سیاسی عبور نماید. دانشجوی با هوشیاری سیاسی می‌تواند لایه‌های مختلف و تو در تو و پیچیده‌ی مسائل قدرت و حاکمیت را یکی پس از دیگری کنار زده و به اساس و ریشه‌ی آنها دست یابد.

دانشجو بدون هوشیاری سیاسی، اگر چه اطلاعات سیاسی وسیعی هم داشته باشد، تبدیل به یک عنصر ساده لوح سیاسی می‌شود که گاهی از عوام‌الناس هم در درک مسائل سیاسی پایین‌تر می‌رود. علت این که بسیاری از دانشجویان رشته‌ی علوم سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی به موقع و مستقل ندارند، ریشه در فقدان هوشیاری و نداشتن ششم سیاسی لازم دارد.

- تحلیل سیاسی

هویت سیاسی دانشجوی با تحلیل سیاسی تکامل می‌یابد. دو عنصر

اطلاعات سیاسی و هوشیاری سیاسی به دانشجویان قدرت تحلیل سیاسی می‌دهد. علت این که بسیاری از دانشجویان فاقد قدرت و مهارت تحلیل سیاسی از رخداد‌های داخلی و سیاسی‌اند و یا تحلیل سیاسی رادیوهای بیگانه را می‌پذیرند و بلندگوی دیگران می‌شوند، یا به علت نداشتن اطلاعات سیاسی است و یا به خاطر فقدان هوشیاری سیاسی است.

- اقدام سیاسی

هویت سیاسی دانشجویان به اقدام سیاسی او ختم و منجر می‌شود. صرف تحلیل سیاسی داشتن برای برخورداری از هویت سیاسی کفایت نمی‌کند، هویت سیاسی باید ظهور و بروز کند. اقدام به موقع، مناسب، صحیح و معقول سیاسی دانشجویان در حقیقت رویش جنبش سیاسی دانشجویان است و همین رویش و جنبش ثمره‌ی هویت سیاسی او می‌باشد.

- آفات هویت سیاسی

هویت سیاسی دانشجویان یکی از عناصر هویت دانشجویی است که بیش از بقیه‌ی عناصر هویت‌ی دچار آفات می‌شود و آسیب می‌پذیرد. نگاهی به جنبش‌های سیاسی دانشجویان در ۲۵ سال اخیر در کشور ایران نشان از سهولت و سرعت در آفت‌پذیری هویت سیاسی دانشجویان دارد.

- تعریف نادرست از هویت سیاسی

اولین آفت هویت سیاسی دانشجویان، عدم درک صحیح و درست از هویت سیاسی است. تعاریف نادرست و غلط از سیاست و سیاسی بودن و

هویت سیاسی به جای سیاسی کردن دانشجو؛ روح شیطنت، لجاج، عناد، جمود، تحجر، تعصب یا تصلب را به دانشجو می‌بخشد.

- فقدان مبنایی سیاست

غالباً وقتی سخن از هویت سیاسی دانشجو به میان می‌آید، جمله‌ی مرحوم مدرس «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ما است»، که برآمده از تعالیم اسلام و هم مؤید و مؤکد به سخنان مرحوم امام بود، به ذهن می‌رسد یا مبنا قرار می‌گیرد. این جمله حاکی از وجود مبنایی عمیق و ارزشمندی برای سیاست و هویت سیاسی دانشجو است. آنچه می‌تواند جلوی تمامی آفات و آسیب‌های هویت سیاسی دانشجو را بگیرد همین مبنای دیانت برای سیاست است. اما متأسفانه یک مغالطه‌ی بزرگ در دو دهه‌ی اخیر مشاهده می‌شود. از جمله «سیاست ما عین دیانت ما است» برای اثبات و ضرورت سیاسی بودن دانشجو و دخالت در سیاست بهره‌جویی می‌شود و در همان حال کنار زدن دین و دور زدن دیانت ضمناً یا صراحتاً به عنوان سیاست دانشجو اعلام می‌شود. در دهه‌ی اخیر برخی توسعه‌ی سیاسی یا دموکراسی را تغییر نظام حکومتی یا تغییر قانون اساسی و حذف اسلامیت و دیانت معنی کردند. از دانشجویان نیز در این سیاستگری استفاده‌ی فراوان ابزاری شد و هنوز ادامه دارد. در حقیقت «آن جمله‌ی مرحوم مدرس؛ سیاست ما عین دیانت ما است» تبدیل به این جمله شد «سیاست ما عین دیانت ما است و دیانت ما فدای سیاست ما».

در واقع دیانت به عنوان مبنای اساسی سیاست نادیده گرفته شد. وقتی دیانت به عنوان مبنا و پایه‌ی سیاست نادیده گرفته شد هویت سیاست

دانشجو دچار هرج و مرج می‌شود و پایه و اساس ثابت و استواری نخواهد داشت. سیاستی که پایه و اساس نداشت نیز به لجاج، عناد، شیطنت، فریب، دروغ، تهمت و بهانه جویی آلوده می‌شود. در این صورت ذهن دانشجو دچار نوسانات سیاسی شده و هر روز به راهی و به جهتی کشیده می‌شود، تبدیل به یک عنصر بازدارنده‌ی سیاسی کار و یا ابزار منفعل به دست سیاسی‌کاران خارج از دانشگاه یا خارج از کشور می‌شود و یا بازیچه‌ی تمام عیار بازیگران صحنه‌ی سیاست شیطنانی می‌گردد.

فقدان اطلاعات و آگاهی سیاسی

آفت مهم دیگر، که هویت سیاسی دانشجو را منقلب به هویت سیاسی کاری و سیاسی نمایی می‌کند، نداشتن اطلاعات و آگاهی لازم در حوزه‌های مرتبط به سیاست است.

جمود و تحجر در کسب اطلاعات سیاسی

اگر اطلاعات سیاسی دانشجو کانالیزه شد و به هر دلیلی دچار تحجر، تعصب و جمود در منبع اطلاع‌رسانی گردید، هویت سیاسی دانشجو دچار انحراف و تصلب و تعصب می‌شود. مثلاً دانشجو فقط از یک روزنامه یا فقط از یک رادیوی بیگانه و یا فقط از یک جریان خاص سیاسی کسب اطلاع کند. در این حالت ناآگاهانه هویت سیاسی دانشجو دچار خدشه می‌شود و بدون آن که بخواهد دچار تحجر و جمود می‌گردد.

فقدان هوشیاری سیاسی

فقدان شم و هوشیاری سیاسی، آفت دیگر هویت سیاسی دانشجو

است، چون فقدان این عنصر هویت‌ی باعث می‌شود که دانشجو فاقد قدرت تحلیل و تجزیه سیاسی باشد و به سهولت تجزیه و تحلیل سیاسی دیگران در لابه لای منابع اطلاعات سیاسی به وی القاء می‌شود. فقدان شم سیاسی، ابتدا موجب خلط تجزیه و تحلیل سیاسی با اخبار و اطلاعات سیاسی منابع اطلاع‌رسانی می‌شود. مثلاً دانشجو قادر نیست بین خبرگیری از یک روزنامه یا یک رادیو؛ با تجزیه و تحلیل سیاسی آن روزنامه و صدا تفاوتی قائل شود. خود به خود و ناآگاهانه، تجزیه و تحلیل آن روزنامه همراه با اخبار و اطلاعات خام آن روزنامه را می‌پذیرد و به عنوان تجزیه و تحلیل خود بر زبان جاری می‌کند. فقدان هوشیاری سیاسی باعث می‌شود دانشجو نتواند ارتباط صحیح و منطقی بین وقایع و جریانات داخلی و داخلی با خارجی برقرار نماید. با هر پدیده‌ی سیاسی به صورت تجزیه شده و مستقل برخورد و موضوع‌گیری می‌کند. فقدان هوشیاری سیاسی موجب می‌شود که به سهولت بتوان دانشجو را با احساسات پاک جوانیش به بازی گرفت و با ارائه‌ی مختصر اخبار و اطلاعات به اصطلاح دسته اول سیاسی و گنجانیدن زیرکانه‌ی تجزیه و تحلیلی نادرست در بین آن اخبار، وی را برای مقاصد سیاسی خود یا جریانات سیاسی وسیله و ابزار قرار داد.

اگر فقدان هوشیاری سیاسی با خلا عاطفی، بی‌هویت‌ی علمی، عقده‌های شخصیتی نیز همراه شد، دانشجو را حتی از ابزار انسانی تنزل می‌دهد و به ابزار فیزیکی برای تخریب فیزیکی یا بلندگویی برای رساندن تهمت و دروغ بدل می‌سازد. یک احمق به تمام معنا از دانشجو می‌سازد و چه زیانبار است دانشجوی احمق - سیاسی برای محیط علمی دانشگاه و جامعه‌ی مستقل.

عدم شجاعت و حریت

هویت سیاسی دانشجو در اقدام سیاسی دانشجو ثمر می‌دهد. اگر دانشجویی با تجزیه و تحلیل صحیح و درست خود به یک عقیده و آرمان رسید، هویت سیاسی او اقتضا می‌کند برای آن عقیده‌ی سیاسی و آرمان سیاسی اقدام کند، وقت خود، حنجره‌ی خود، حتی جان خود را نیز هزینه‌ی آن عقیده و آرمان سیاسی کند. آنچه جلوی اقدام و بذل وقت، فریاد، اعلام و واکنش سیاسی دانشجو را می‌گیرد، عدم حریت و ترس اوست. عدم حریت؛ یعنی وابستگی او به آینده‌اش، وابستگی او به دنیا، وابستگی او به نمره، مدرک، شغل...

۷- هویت اجتماعی

عنصر دیگری که هویت دانشجو را شکل می‌دهد، هویت اجتماعی است که در واقع دانشجو را آماده می‌کند تا در آینده‌ی نزدیکی عنصر سازنده و مهره‌ی صلاح کشور و جامعه باشد. اگر هویت اجتماعی را از دانشجو سلب کنند، آمادگی لازم برای حضور سازنده و مؤثر در اجتماع را از دست می‌دهد.

هویت اجتماعی در حقیقت میدان و بستری برای تمرین و ممارست زندگی و تعامل بهتر است.

- دو واقعیت محیط دانشگاهی

الف) جوانی

در محیط دانشگاه واقعیتی انکارناپذیر وجود دارد و نباید و نمی‌توان

نادیده گرفت و آن جوانی دانشجو است. یعنی دانشجو قبل از هر هویتی یک جوان است. جوانی، فارغ از هویت دانشجو یا هویت غیردانشجو، داخل یا خارج از محیط دانشگاه یک سری اقتضائات خاص خود را دارد. در عین حال این حقیقت را نیز باید پذیرفت و قبول کرد که این اقتضایات نباید در جوان دانشجو و جوان غیردانشجو کاملاً یکسان و مساوی ظهور نماید. این حقیقت هم عقل بدان حکم می‌کند و هم انتظار به حقی است که در عرف شایسته و بایسته است. جوان دانشجو نمی‌تواند در محیط دانشگاه به بهانه‌ی جوانی مانند و مساوی با جوان غیر دانشجو در خارج از دانشگاه جوانی کند. در محیط‌های غیردانشگاهی بسا به بهانه‌ی جوانی، بسیاری مفاسد و کارهای مخل نظم اجتماعی یا منافی اخلاق پسندیده‌ی اجتماعی اتفاق افتد. آنچه می‌تواند اقتضائات جوانی دانشجو را متناسب با محیط دانشگاه محقق و جلوه‌گر نماید، هویت اجتماعی دانشجو است.

ب) اختلاط دختر و پسر

واقعیت دیگری که در محیط دانشگاه وجود دارد، مختلط بودن دانشگاه از جوان مؤنث و مذکر است. اگر چه دانشگاه‌های یک جنسیتی مانند دانشگاه الزهرا وجود دارد، اما در اقلیت است و اکثر دانشگاه‌های دختر و پسر با هم زندگی علمی دارند، اما عقل حکم می‌کند و جامعه‌ی اسلامی و مردم به حق انتظار دارند و اعتقاد دینی ما اقتضا می‌کند که فضای حاکم بر این محیط فضای خاصی باشد و حریم‌های علمی و معنوی این اختلاط را کنترل و مهار سازد. بدیهی است منظور از حریم‌های علمی و معنوی نظارت فیزیکی نیست بلکه امری است که از هویت اجتماعی دانشجو و به طور خودجوش از هویت دانشگاه اسلامی ظهور می‌یابد. بنابراین در خصوص

این واقعیت نیز هویت اجتماعی دانشجو است که از تبدیل شدن اختلاط دختر و پسر در محیط دانشگاه به اختلاط نامشروع و نامبارک جلوگیری می‌کند. اگر این هویت اجتماعی معنی‌دار از دانشجو گرفته شود، بسا دانشجوی دختر و پسر به همان دختر و پسر غیر دانشجویی که در خارج از محیط دانشگاه و فارغ از معنویت علم و آگاهی دچار رابطه‌ی نامشروع هستند تبدیل شوند.

- ازدواج

دانشجو بالاخره اولین واحد اجتماعی خانواده را تشکیل می‌دهد، انتظار به حق این است که خانواده‌ای که یک تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی تشکیل می‌دهد، برتر و متعالی‌تر از خانواده‌ی غیر تحصیل‌کرده باشد و یا لاقلاً فروتر از آنها نباشد. خانواده‌ای که او تشکیل می‌دهد واسطه‌ی تأثیر سازنده و معنوی بین فرد و جامعه باشد.

از همین رو هویت اجتماعی او اقتضا می‌کند که در اندیشه‌ی تشکیل خانواده و اجتماع و در نهایت مباشرت با جنس مخالف در محیط دانشگاه باشد.

تاریخ دانشگاه نشان داده که بهترین نوع ازدواج‌ها در دانشگاه شکل گرفته، همچنان که بدترین ازدواج‌ها و خانواده‌ها نیز در محیط دانشگاه بین دانشجوی پسر و دختر پدید آمده است.

بدیهی است اگر خلاء عاطفی یا جوشش شهوت جنسی عامل کشش پسر بسوی دختر یا برعکس باشد و اساس دوستی و رفاقت بین آنان قرار گیرد، بسیاری از واقعیت‌ها دیده نمی‌شود و اگر با این اساس ازدواج صورت

پذیرد، ازدواجی شوم و نامبارک خواهد بود.

اما اگر هویت اجتماعی، که براساس معنویت علم و دین استوار است، انگیزه‌ی تعامل دانشجوی دختر و پسر باشد، به راحتی قادر به درک تفاوت محیط دانشگاه و محیط خارج از دانشگاه و تفاوت وضعیت و احساس زمان دانشجویی با بعد از فارغ‌التحصیلی هستند و اگر ازدواجی صورت پذیرفت با چنین بینش و هوشیاری است و در این صورت ازدواج خجسته و مبارکی خواهد بود.

راز شکست بسیاری از ازدواج‌های دانشجویی این است که دانشجو فاقد هویت اجتماعی بوده و براساس حال و هوای صرف دانشجویی یا بدتر از آن، فشار شهوت جنسی جوانی و یا خلاء عاطفی ناشی از محیط دانشگاه یا خلاء عاطفی ناشی از اضافه‌کاری پدر و مادر در دوران قبل از دانشگاه؛ به سوی جنس مخالف در محیط دانشگاه کشیده شده و به ازدواج منجر شده باشد و یک الی دو سال بعد از فارغ‌التحصیلی آن ازدواج به شکست بدفرجام کشیده می‌شود.

- انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی انسانی و مطالعات فرهنگی

هویت اجتماعی دانشجو اقتضای پدید آمدن انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، علمی، دینی، سیاسی، تفریحی و... را دارد. در این تشکل‌ها استعداد سازمان‌دهی و شکل دهی و اقدام سیاسی دانشجو کم‌کم به بار می‌نشیند.

چنان که در ابتدا گذشت؛ هویت دانشگاه به فعلیت رساندن هویت دانشجویی است و اساساً هویت دانشجویی نیز برای بالفعل شدن قوه و استعداد‌های نهفته‌ی علمی، سیاسی، اجتماعی دانشجو است.

تشکل های دانشجویی. تنها یکی از ابعاد ظهور و بروز هویت اجتماعی دانشجویان است، بلکه میدان تمرین، ممارست و فعلیت بخشیدن و به نمایش درآمدن سایر ابعاد هویت ی او است.

جلوگیری از پدید آمدن تشکل های دانشجویی در حقیقت جلوگیری از پیدا کردن هویت اجتماعی است، بنابراین نه شایسته است و نه ممکن.

مدیریت آینده‌ی کشور و هویت اجتماعی

- آنچه مسلم و روشن است این است که آینده‌ی مدیریتی هر کشور به دست افسار تحصیل کرده‌ی محیط‌های دانشگاهی و حوزوی است. سفاقت و بدبختی یک ملت زمانی است که عنان مدیریت را به غیر اهل علم و حکیمان بسپارد.

اگر این واقعیت را پذیرفتیم، این حقیقت خود را نشان می‌دهد که محیط دانشگاه باید علاوه بر تربیت متخصصین خبره، مدیران خبره نیز تربیت کند؛ پرواضح است که منظور از تربیت مدیران خبره، تربیت از طریق رشته‌های مدیریت نیست.

هر متخصص در محل کار آینده‌اش قبل از هر چیزی یک مدیر است. رییس یک شعبه‌ی دادگستری که فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق است قبل از هر چیزی مدیر یک شعبه است و یک مهندس، مدیر یک پروژه و...، لذا دانشگاه باید در هر یک از دانشجویان شم مدیریتی نیز ایجاد نماید.

آنچه می‌تواند علاوه بر تخصص به یک دانشجوی، برای آینده‌ای نزدیک، قدرت و مهارت مدیریت اولیه در بدو ورود به اجتماع را ببخشد، هویت اجتماعی دانشجویان است، لذا محیط دانشگاه باید ابزار و مناسباتی را فراهم کند که به دانشجویان هویت اجتماعی ببخشد.

تحمل عقاید و صلح و صلاح

لازمه‌ی ایجاد یک جامعه‌ی صالح و سالم و پیش برد صلاح و سلامت، قدرت و مهارت تحمل عقاید و نظرات مخالف است. اساساً اسلام که دعوت به اصلاح و صلاح نموده آن را بر تحمل آراء و نظریات مخالف استوار ساخته است. این عنصر روحی و روانی در تعامل اجتماعی ظاهر می‌شود. از همین روز دانشجو، باید در محیط دانشگاه و تعامل خود در محیط اجتماعی محدود دانشگاه تمرین تحمل نظریات و آراء مخالف نماید. این تحمل عقاید و دغدغه‌ی صلح و صلاح داشتن، جزوی از هویت اجتماعی دانشجو است.

تحمیل عقاید و ایده‌ها و خط دهی به احزاب

اگر دانشگاه منشاء صلاح و اصلاح جامعه است باید بتواند برای آراء و نظریات صلاح و پسندیده، که به آن رسیده است، در مقابل سایر نظریات هزینه نماید و آن عقاید صلاح و پسندیده را به خارج از جامعه تحمیل کند و بقبولاند و مستدل سازد. انتظار به حق و عاقلانه این است که محیط دانشگاه به محیط خارج از دانشگاه خط دهی کند و راه را برای آنان ترسیم سازد. این تحمیل عقیده و خط دهی جزو هویت اجتماعی دانشجو است. اما اگر قضیه برعکس شد و خارج از دانشگاه و احزاب، دست به کار شدند و عقاید و آراء یا تحلیل‌های خود را به دانشگاه و دانشجو حقه کردند، هویت اجتماعی دانشجو دچار آسیب و آفت شده است. وقتی احزاب و تشکل‌های سیاسی خارج از دانشگاه تحت عنوان تشکل‌های دانشجویی در دل دانشگاه لانه می‌کنند و به تخم‌گذاری و جوجه‌کشی سیاسی می‌پردازند و جوجه‌های

سیاسی خود را از دانشگاه روانه‌ی اجتماع و محافل سیاسی می‌کنند، نشان دگرگونی و قلب هویت اجتماعی دانشجویی است. به جای این که دانشجوی عنصر فعال اجتماعی و یک بازشکاری عرصه‌ی اجتماع باشد، تبدیل به یک عنصر منفعل و یک جوجه‌ی ضعیف گروه‌های قدرت خارج از دانشگاه و حتی خارج از کشور می‌شود، اما جوجه‌ای بازنما و عنصر منفعل اما فعال‌نما.

۸- هویت معنوی

مهمترین بعد هویت‌ی جوان دانشجوی، هویت معنوی او است. منشأ تمام آسیب‌های هویت دانشجویی و کارساز شدن آفات، ریشه در فقدان هویت معنوی یا انحراف در این هویت دارد.

هویت معنوی در حقیقت حافظ و نگهبان هویت‌های علمی، فرانگری، رویش و جنبش، سیاسی، اجتماعی و نمادین است.

سخن در اهمیت، ضرورت و حقیقت هویت معنوی بسیار است. اگر دانشگاه‌ها نتوانند هویت معنوی به دانشجوی بیخشند، هرگز آن دانشگاهی که مدنظر حضرت امام (ره) و آرمان انقلاب اسلامی است پدید نخواهد آمد. اساساً یکی از ارکان اسلامی شدن دانشگاه را باید هویت معنوی دانشجوی دانست و تا این جنبه در جوانان دانشگاهی به فعلیت نرسد، نباید اسلامی شدن دانشگاه را انتظار داشت.

متأسفانه موانع زیادی بر سر راه بسط عمیق و فعلیت یافتن بایسته‌ی هویت معنوی دانشجوی در دو دهه‌ی اخیر در محیط دانشگاهی پدید آمده است. برخی از مدیریت‌های دانشگاهی نیز آگاهانه یا ناآگاهانه به این عوامل دامن زده‌اند و یا در مقابل پدید آمدن آنها خود را به غفلت زده‌اند.

آنچه در باب هویت معنوی در این جا قابل ذکر است این است که یکی از ویژگی‌های مسلمان، معنویت است. بنابراین مسلمان بودن متوقف به معنویت است و شخص نمی‌تواند بگوید مسلمان هستم، در حالی که معنویت یا تجربه‌ی معنوی نداشته باشد. البته تمام انسان‌ها نیازمند به معنویت هستند و امروزه یکی از بحران‌هایی که انسان‌ها گرفتار آن هستند، بحران معنا است. یعنی تفسیری که قسمتی از مردم از معنای زندگی دارند جواب‌گوی آن نیازهایی که زندگی را معنادار می‌سازد، نیست. امروزه تفسیر قسمتی از مردم از معنای زندگی پاسخگوی نیازهای اساسی آنها نیست. لذا معنای زندگی در بین آنان دچار بحران است. آن چیزی که می‌تواند این بحران را مهار کند، معنویت است.

اولاً معنویت یک تفسیر درست از معنای زندگی به دست می‌دهد، ثانیاً، هم در عمل و متن زندگی به زندگی معنا می‌دهد و هم در فهم و ذهن تفسیری درست و عملی از زندگی و معنای آن به وجود می‌آورد و زندگی را معنادار می‌سازد. ثالثاً معنویت یکی از عناصری است که وقتی انسان آن را به دست آورد هیچ‌گاه لذت آن را از دست نمی‌دهد، زیرا تمام لذاتی که انسان به دست می‌آورد، زمانی و مکانی است و در یک زمان و مکان دیگر وجود ندارد و آن لذت تجدید نمی‌شود، اما معنویت بند به زمان و مکان خاصی نیست؛ یعنی اگر در یک لحظه و مکانی معنویتی به دانشجو دست دهد، این لذت معنوی پایدار خواهد ماند و او هرگاه آن را به خاطر بیاورد، آن لذت سابق را هم دوباره حس می‌کند. نه تنها دانشجو برای احساس هویت بلکه تمام انسان‌ها محتاج به چنین لذاتی هستند، لذاتی که در یک زمان و مکان تجربه کرده باشند و سپس در هر زمان و مکان دیگر عین همان لذت با

یادآوری برایشان زنده شود. بدون شک هر وقت آن لذت معنوی زنده شود، تأثیرگذار است. از همین رو معنویت سرمایه‌ای پایدار و جاوید است که انسان به ویژه دانشجو می‌تواند بسیاری از مشکلات و توفان‌ها را که به زندگی او هجوم می‌آورد، مهار کند. کما این که با تجربه‌ی معنوی، انسان می‌تواند در مواقعی که فرح و شادی به او رو می‌آورد از خود بیخود نشود و از جا به در نرود.

افزون بر موارد فوق، معنویت باعث می‌شود تا انسان خودش را به دست آورد. بسیاری از مشکلات انسان امروزی و خسته شدن از برخی کارها به خاطر این است که فرد نمی‌داند برای چه کسی کار می‌کند. البته می‌گویند برای خودم کار می‌کنم. اما باید گفت، خودت کی هستی؟ این خود نمی‌داند کیست. چون گاهی مواقع ناخودآگاه می‌رسند و می‌فهمند که این خودی که برایش کار می‌کرد خود نبود، بیگانه بود. خوب، وقتی آدم بفهمد یک روز کار کرد برای کسی که بیگانه بود، در حالی که می‌گفت برای خودم کار می‌کنم، حتماً از کارش خسته و دلزده می‌شود. بنابراین، آنچه می‌تواند خود را به انسان نشان دهد که بفهمد برای چه کسی کار کند تا این که از کارش پشیمان نشود، معنویت است. به خصوص معنویت در زندگی و سرانجام دانشجو، که یک جوان است، نقش مهمی دارد. دانشجو در سنی که قرار دارد در حقیقت مزرعه‌ی بکر و آماده‌ای است که می‌تواند به خوبی بذره‌های معنویت را بپذیرد و در درون خود جای دهد تا هر دانه معنویت یک سنبله‌ی هفتاد دانه‌ای معنویت را به بار آورد، در حالی که در سن پیری هرگز چنین بستر و زمینه‌ای وجود ندارد. زیرا اگر کسی در سن جوانی نتواند معنویتی اندوخته کند و خاطره و تجربه‌ای معنوی در ذهن و وجود خودش بارور

سازد، جبران این نقیصه در سن بزرگی و پیری یا غیر ممکن است یا بسیار مشکل و صعب. اگر بعضی از پیران و سالخوردهگان اهل معنویت هستند، در واقع نتیجه‌ی معنویت و لو اندک دوران جوانی است. بنابراین اگر کسی بگوید من تجربه‌ی معنوی را برای آخر عمر می‌گذارم، یا خود را نشناخته است و یا درک درستی از معنویت ندارد و اساساً امکان ندارد! چگونه در جوانی که بهار معنویت است، رویش معنوی نباشد در خزان این بهار که درخت‌ها رو به خشکیدگی می‌روند و یا در زمستان که خشکیده‌اند انتظار شکوفه، برگ و بار است؟ بنابراین دانشجویی که در سنین پاک و بهار معنویت است و قلبی پاک دارد و حریت و آزادی او بیش از هر زمان دیگر است، باید در کنار بال علم، بال معنویت خود را هم به پرواز درآورد و اندوختن تجربه‌ی معنوی و فعلیت بخشیدن به هویت معنوی را به خزان و زمستان و انهدان چیزی جز خودزنی نیست و نتیجه آن سرازیر شدن خیل فارغ‌التحصیلان بی‌تعهد و بی‌درد به جامعه و یا فرار از جامعه و در اختیار قرار دادن خود؛ یعنی سرمایه‌ی محرومین به بیگانگان می‌باشد.

از آثار هویت معنوی دانشجویی، برکت یافتن عمر علمی دانشجوی است که از اهمیت زیادی برخوردار است. اصولاً زندگی انسان باید به گونه‌ای باشد که خدا به آن برکت دهد. دانشجوی باید ببیند چه چیزهایی باعث می‌شود خداوند به زندگی انسان برکت دهد. خیلی‌ها هستند که ۲۴ ساعت شبانه روزشان تلف می‌شود و هیچ کاری از آنها بر نمی‌آید. در مقابل خیلی‌ها هستند که در همین ۲۴ ساعت، معادل ۱۰۰ ساعت از زندگی یک انسان معمولی از عمر خودشان استفاده‌ی مفید کرده و بهره می‌برند.

مثلاً دانشمندانی بوده‌اند و هستند که هر روز از عمرشان، از تولد تا مرگ

را که حساب کنیم، به اندازه‌ی هر روزشان، حدود یکصد ورق کتاب نوشته‌اند. این یک نمونه از برکت عمر در عمر است. از جمله امور معنوی که موجب برکت عمر می‌شود؛ «قرائت قرآن»، «گرفتن روزه»، «با وضو بودن»، «احترام به پدر و مادر»، «احترام به استاد» (شان استاد را در هر صورتی نگه داشتن)، «احترام به کتاب» و احترام به علم، «احترام به دانشجو (زیرا دانشجو یک ظرفی است که علم در درونش فرود می‌آید) و «دلسوزی برای دیگران» است. دانشجویان که در وادی علم زندگی می‌کنند بیش از هر چیزی به برکت در عمر نیازمندند و باید از خداوند به جد مسألت نمایند که به عمرشان برکت دهد که در واقع همان به فعلیت رسیدن هویت معنوی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی